

راهکارهای عملی عشق ورزی به خدا در زندگی

صغری اسکندری

چکیده مقاله

انسان به طور فطری خداجو و عاشق مبدأ کمال بود. در اسلام، عشق به خدا به عنوان یکی از اصول اصلی ایمان معرفی شد. این عشق و محبت از طریق شناخت خداوند، پیروی از دستورات پیامبر (ص)، و انجام اعمال صالح تقویت شد. در نهایت، این حب به خدا می‌توانست به انسان احساس آرامش و امید به زندگی ببخشد و کمک کند تا در مسیر رشد معنوی و اخلاقی قرار گیرد. برای رسیدن به عشق به خدا، دو راه نظری و عملی وجود داشت. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بررسی راهکارهای عملی عشق ورزی به خدا در زندگی پرداخت. ساختار مقاله به این صورت بود: ابتدا به شناخت خدا و اهمیت آن پرداخته شد. سپس راه‌های شناخت خدا، از جمله مطالعه قرآن و احادیث، مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه، به تقویت ایمان و راه‌های دستیابی به آن، مانند نماز، دعا و ذکر، اشاره شد. از جمله نتایج این تحقیق، عمل به دستورات الهی، شامل انواع عبادات (واجبات و مستحبات) و مهم‌ترین اخلاق اسلامی مانند صداقت و امانتداری بود. این موارد سبب می‌شود تا تلاش انسان در زمینه عشق ورزی به خداوند افزایش یابد و در زندگی به آرامش و امید برسد.

کلید واژه ها: خداوند، عشق ورزی، حُب.

مقدمه

عشق ورزی به خدا مفهومی است که قلب و ذهن انسان‌ها را در طول تاریخ به خود مشغول کرده و به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ابعاد زندگی معنوی شناخته می‌شود. این عشق، که ریشه در تمایل انسان برای یافتن معنای آرامش دارد، نه تنها در چارچوب باورهای دینی، بلکه در زندگی روزمره افراد نیز جلوه‌گر است. در دنیایی که با چالش‌ها و فشارهای مختلف مواجه است، عشق به خدا می‌تواند نور امید و منبع تسلی باشد. این رابطه معنوی اغلب از طریق انجام یکسری از امور دینی و پایبندی به اصول اخلاقی به عنوان تجلیات عشق برتر به بار بنشیند؛ اما متأسفانه در جامعه کنونی آن طور که باید در زندگی مورد توجه قرار نگرفته است؛ این مقاله سعی دارد راهکارهای عملی عشق‌ورزی به خدا در زندگی انسان‌ها را مورد بررسی قرار دهد البته که این موضوع در کتب و مقالات دیگر از جمله در کتاب عشق ورزی به خدا که نویسنده اش مجدی الهلالی و کتاب از عشق چه می‌دانی که نویسنده اش علی روح بخش و کتاب عشق و دل بستگی از منظر عرفان، اخلاق و تربیت اسلامی نویسنده آن یاسین کمالی وحدت است؛ و مقالاتی همچون جلوه‌های معرفت و عشق به خدا از آیت الله محمدتقی مصباح یزدی و مقاله ی عشق به خدا در لایه‌های وجودی انسان؛ بازخوانی آیه میثاق که از آقای حمید

نگارش است که همه‌ی این‌ها به طور کلی یا از زوایای دیگر به این موضوع پرداخته‌اند به خاطر همین پژوهشگر بر آن شده به این موضوع به صورت جزئی‌تر بپردازد و به نگارش درآورد. و در پی آن است که چگونه و با انجام چه اعمالی در زندگی می‌شود به عشق به خدا رسید.

مفهوم شناسی

برای شناخت بهتر با موضوع پژوهش پیش رو در ابتدا لازم است با مفاهیم اصلی آن آشنا شویم. عشق در لغت به معنای شیفته شدن از غایت دوستی است و عاشق به معنای شیفته شده به دوستی (ابن معروف، بدون تاریخ، ص ۹۵۱) و عشق ورزی که در لغت به معنای عشق ورزیدن است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹۰) در فرهنگ اصطلاحات عرفانی برای واژه‌ی عشق چنین تعریفی آمده: «شوق مفرط و میل شدید به چیزی. عشق آتشی است که نه در قلب واقع شود و محبوب را بسوزد. عشق دریای بلا و جنون الهی و قیام قلب با معشوق بلا واسطه است. عشق مهمترین رکن طبیعت است که این مقام را تنها انسان کامل که مراتب ترقی و تکامل را پیموده است، درک می‌کند» (سجادی، ۱۳۷۰، ص ۵۸۰) از جمله در لغت نامه دهخدا، عشق در اصطلاح عرفانی چنین معنا شده: «عشق به معبود، حقیقی و اساس و بنیاد هستی بر عشق نهاده شده، جنب و جوشی که سراسر وجود را فرا گرفته، پس کمال واقعی را در عشق باید جستجو کرد. عشق آخرین پایه‌ی محبت است و فقط محبت را عشق گویند و عشق آتشی است که در دل آدمی افروخته می‌شود و بر اثر افروختگی آن، آنچه جز دوست است سوخته شود و نیز گفته‌اند: عشق دریایی است پر از درد و رنج و دیگری گوید: عشق سوزش و کشته شدن است. اما بعد از شهادت، با لطف ایزدی عاشق از زندگی جاویدان برخوردار شود به طریقی که فنا را اطراف او راه نباشد. (دهخدا، عشق) زمخشری در کشاف می‌نویسد: «عشق آخرین پایه محبت است.» و نیز گفته‌اند: ثبات و پایداری دل با معشوق باشد؛ بلا واسطه و گویند در مقام عشق گاه باشد که عاشق از خود بی‌خبر شود به نحوی که معشوق را در حال حاضر نشناسد و جویای او باشد. پس عشق ذاتی است صرف و خالص که تحت اسم و رسمی و لغت و وصفی داخل نشود و در آغاز پیدایش عاشق را به وادی فنای محض کشاند. (زمخشری، ۱۳۸۹، ص ۵۷)

۱- شناخت خداوند

یکی از راههای عشق ورزی به خدا شناخت خداوند متعال است در واقع مقدمه‌ی رسیدن به این عشق داشتن معرفه الله است. بدون شناخت نمی‌توان عاشق اش شد. امیر المومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «اول الدین معرفه الله». «معرفت خدا سرآغاز دین است.» (سید رضی، ص ۳۰) شناخت خداوند از سه راه حاصل می‌شود: ۱- راه دل و فطرت ۲- راه حس و علم (راه طبیعت) ۳- راه عقل (راه استدلال و فلسفه). (بهشتی، بدون تاریخ، و) (حسینی نوری، ص ۳۶۵) و (شفیعی، ۱۳۷۶، ص) اگر به شناخت کاملی از صفات الهی برسید در نتیجه محبت خدا را به همراه خواهد داشت چنانچه علامه طباطبایی در آیات ۱۸ تا ۲۴ سوره حشر فرمودند: هر چه بنده و مملوک پروردگار از خدای متعال شناخت عمیق‌تر

داشته باشد، فروتنی اش بیشتر و خاضع تر و خاشع تر و ذلیل تر و فقیرتر و حاجتمندتر می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۷)

۱-۱ راههای شناخت خدا

برای شناخت خدای متعال راههای فراوانی وجود دارد که در کتابهای فلسفی و کلامی و بیانات پیشوایان دینی به آن ها اشاره شده است. انسانی که ذهن سبکباری دارد می تواند از راههای خیلی ساده، خدای خود را بشناسد و به بندگی او بپردازد اما کسی که شبهات زیاد دارد باید راههایی را برگزیند که زیر سازهای محکمی داشته باشد. (مصباح یزدی، بدون تاریخ، صص ۴۹-۵۰) از راههای شناخت خداوند می توان مواردی را ذکر کرد: ۱- مطالعه قرآن ۲- احادیث ۳- آثار بزرگان ۴- تفکر.

۲-۱ مطالعه قرآن

تلاوت قرآن برای کسانی که تدبیر در قرآن کنند، به معنای اتصال به دریای بیکران معارف اسلامی است. نیازِ همیشگی ما به همین است که بتوانیم معارف الهی را در قلب خودمان تقویت کنیم و سطح معرفت خودمان و بینش خودمان را بالا ببریم. این «أَلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ»، (فاطر/ ۱۰) یک بخش عمده ای این «كَلِمُ طَيِّبُ» همین معارفی است که در نفس انسان از قرآن به وجود می آید. (۱/۱۴۰۳/۱۰ بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام)

احادیث

در حدیث معروف قدسی آمده است: من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته ; (خداوند فرمود:) هر کس مرا طلب کند، مرا می یابد و هر که مرا بیابد، مرا می شناسد و هر که مرا بشناسد، مرا دوست می دارد و هر کسی مرا دوست بدارد، عاشقم می شود و هر کس عاشقم بشود، عاشقم می شوم و هر کس را عاشق بشم، او را می کشم و هر کس را بکشم، دیه او به گردن من است و هر کس که به گردن من دیه دارد، من خودم دیه او هستم. (شجاعی، ۱۳۸۸ه.ش، ص ۲۷۶_حسینی طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۶۸)

۳-۱ آثار بزرگان دین

دانشمندانی که تمام تلاش و کوشش آنها برای جامعه است و جز رضای خدا چیز دیگری مدّ نظر آنها نیست و به تعبیر حضرت علی علیه السلام «عالم ربّانی» اند، همواره زنده‌اند و دارای حیات معنوی می‌باشند، حتّی پس از مرگشان! زیرا یاد و خاطره و افکار و آثار و تعلیمات و شاگردان آنها می‌مانند و اینها باعث می‌شود که مردم هرگز آنها را فراموش نکنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۶) برخلاف پندارهای واهی، صنعت و تکنولوژی جدید نیز محصول دینداران و معتقدان به خداست. به طوری که در طول تاریخ امثال ابن سینا، ابوریحان و انیشتن و نیوتون از معتقدان به خدا و عبادت کنندگان بودند. پاسکال دانشمند بزرگ ریاضی نیایش‌های زیبایی دارد و نیوتون یک میلیون و سیصد هزار کلمه در رابطه با دین سخن گفته است. (الیکایی، ۱۳۸۶، ص ۱۰)

۴-۱ تفکر

تفکر عبارت است از آنکه انسان حداقل در هر شبانه روز مقداری ولو کم را فکر کند در اینکه آیا خدای او که او را به این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی او را فراهم کرده و بدنی سالم و قوایی به او داده که برایش مفیدند و همه جور نعمت و رحمت به او داده و از طرفی هم این همه انبیاء و اولیاء و کتابها فرستاده و راهنمایی‌ها کرده، وظیفه‌ی ما نسبت به این خدای مالک الملوک چیست؟ اگر انسان عاقل لحظه‌ای فکر کند می‌فهمد که مقصود از این همه بساط چیزی دیگر است و انسان باید در فکر خودش باشد؛ قدری فکر کند در حال اهل دنیا از قدیم تا الان که می‌بیند ملاحظه کند زحمتهای آنها ورنج‌هایی که در مقابل راحتی کشیدند چقدر زیادتز و بالاتر است، در صورتی که برای هر کس هم راحتی و خوشی پیدا نمی‌شود آن انسانی که در صورت انسان و از جنود شیطان است و از طرف او مبعوث است و تورا دعوت به شهوات می‌کند و می‌گوید زندگانی مادی را باید تأمین کرد، قدری در حال خود او تأمل کن؛ ببین آیا او خودش از وضعیت راضی هست؟ یا آنکه خودش مبتلا است و می‌خواهد بیچاره‌ی دیگری را هم مبتلا کند؟ این تفکر که تلاش برای مقابله با شیطان و نفس اماره است راه دیگری برای تو نشان می‌دهد که در این مجاهده موفق می‌شوی. (خمینی، ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸، صص ۶-۷) آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، تفکری ارزشمند است که در جهت درک حقایق و معارف بلند توحیدی و تشخیص وظائف و مسئولیتهای اجتماعی و انجام اعمال صالح، به کار گرفته شود و بتواند چراغ راه هدایت انسان باشد و فرد و جامعه را در مسیر کمال معنوی رشد دهد و آنان را به خیر و صلاح دنیا و آخرت برساند. (اصول اخلاق فردی، بدون تاریخ، ص ۲۹)

۲- تقویت ایمان

۱- ارتباط ایمان و عشق

در روایات متعددی از پیشوایان اسلام نقل شده: دین چیزی جز محبت نیست، از آن جمله در کتاب «خصال» و «کافی». از امام صادق (ع) نقل شده: «هل الذین الا الحب ثم تلا هذه الایه ان کنتم تحبون الله فاتّبعونی». و سپس آیه فوق را تلاوت فرمود. (کافی، ۸، ص ۸۰، دارالکتب الاسلامیه- (وسائل، ص ۱۷۱)-

(مکارم شیرازی، صص ۶۰۰-۶۰۱) منظور از این روایت این است که: روح و حقیقت دین، همان ایمان و عشق به خداست، ایمان و عشقی که شعاع آن تمام وجود انسان را روشن می کند و همه ی اعضاء و دستگاههای تن، تحت تاثیر آن قرار می گیرند، و اثر بارز و روشن آن پیروی از فرمان خداست. (همان، ص) بنابراین حرکت و سیر در زمانی میسر می شود که در اثر معرفت و آگاهی، بیداری حاصل شود و چراغ ایمان در دل روشن شود و روغن چراغ ایمان، عمل صالح و ترک گناه است. ایمان به خدا و تنفر از فسق و فجور در نهاد هر انسانی بالفطره وجود دارد.

۲-۲ راههای تقویت ایمان

راههای تقویت ایمان عبارتند از: نماز، دعا، ذکر، تلاوت قرآن، شرکت در مجالس مذهبی، ارتباط با افراد با ایمان که در ادامه به توضیح آنها می پردازیم.

۲-۳ نماز

نماز زیباترین حالت پرستش است که آدمی در چشمه جوشان آن خود را از همه ی آلودگی های ظاهری و باطنی و غفلت ها و اغواها شستشو داده، در حضوری ترین بزم گفتگوی با خداوند جان را صفا می دهد. نماز پرستش فردی و اجتماعی است و در سازندگی فرد و اجتماع دارای آثار ارزشمندی است. روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بر محور نماز جلوه ی حق می گیرد و موجب تکامل فرد و جامعه می شود. (الیکایی، ۱۳۸۶، صص ۹-۱۰)

۲-۴ دعا

دعا عشق به خدای متعال را در دل زنده می کند. (۱۳۸۴/۰۷).
بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران) دعا را با حضور قلب باید خواند.... بعضی از این اجتماعاتی که در آنها دعا خوانده میشود، انصافاً خیلی اجتماعات دلنشینی است، یعنی خواننده ی دعا، دعا را فقط برای مستمع نمیخواند [بلکه] برای دل خودش هم میخواند. بعضی ها اینجوری هستند؛ خودش هم تحت تاثیر دعا است. وقتی خواننده ی دعا جوری دعا میخواند که خودش دارد با خدا حرف میزند، خودش را در مقابل پروردگار عالم حاضر می بیند -وقتی اینجور هست- و حال دعا برای او وجود دارد، این مستمع هم حال دعا پیدا میکند. بعضی مواردی البته بندرت انسان مشاهده میکند که خواننده ی دعا اصلاً در عالم دعا نیست. گاهی آدم در تلویزیون هم بعضی از اینها را مشاهده میکند که خواننده ی دعا دارد فقط یک چیزی را با آواز میخواند؛ نه خودش توجهی دارد و حال دعایی دارد، وقتی خودش حال دعا نداشت، مستمعش هم حال دعا پیدا نمیکند؛ نه اشک خودش جاری میشود، نه میتواند اشک مستمع را جاری کند؛ دل او را نمیتواند منقلب کند، چون دل خودش منقلب نیست. دعا را اینجوری نباید خواند. (۱۳۹۵/۰۴/۰۵ بیانات در دیدار خانواده های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم)

۲-۵ ذکر

برخورد، موجب هدایت افراد کافر، یهودی، مسیحی و افراد اغفال شده از طرف دشمنان ومانند آن شده است و در سخنان گهربار خود نیز به پیروان خود سفارش کرده‌اند که هنگام خشم به یاد خدا باشند و خویشتنداری کرده و خشم خود را فرو برند (یوسفیان، الهامی نیا، ۱۳۸۰، ص ۴۸)

۴-۷ مهربانی

پسرم! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات، به ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن، مگر نه این است که کافه موجودات از جهات عدیده که به احصا در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می‌باشند،

خدایی را که دین معرفی می کند بالاترین مرتبه محبت و مهرورزی را نسبت به موجودات به ویژه انسانها دارد.

از این رو اولین صفتی که مسلمانها در جمله ای که همیشه و هر روز بارها و بارها موظف اند آن را تکرار کنند بلکه در ابتدای هر کلام و هر کاری به زبان آورند، صفت مهربانی و مهرورزی او نسبت به موجودات عالم و انسان است.

در کلمه « بسم الله الرحمن الرحيم » که برنامه افتتاحیه تمام مسلمانان است . بعد از نام خدا یعنی الله دو صفت رحمان و رحیم باید گفته شود و همیشه محبت او مورد توجه باشد ، زیرا او مهربانترین مهربانان است و همین لطف و مهربانی به انسانها بلکه به موجودات، عامل خلقت آنان و گستردن نظام هستی شده است. و بعد از مرحله خلقت می بینیم خداوند منان همانطور که خود نسبت به موجودات و مخلوقات خود و در رأس آنها به انسانها محبت دارد، از انسانها خواسته است که نسبت به همدیگر هم با محبت باشند و روز به روز بر محبت خود نسبت به دیگران بیفزایند.

از دیدگاه اسلام، مهربانی و محبت ورزیدن، مایه قوام و برپایی جامعه انسانی است و بدون مهربانی، نظام اجتماع بشری، سرد بی روح و زیبایی های زندگی به کام انسان تلخ و بی معناست.

کسی که آدم را برای زندگی اجتماعی آفریده، احساس نیاز به این پیوند و رابطه را نیز در وجود او قرار داده است. او هم خود رحمان، رحیم ، ودود، رؤف و عطوف است و هم بندگان را بر این سرشت آفریده است. خدای مهربان بندگان را به محبت و مهرورزی تشویق می کند و اهل مهر و عاطفه را جزء اصحاب یمین معرفی می کند. آنگاه می فرماید : « ثم کان من الذین آمنوا تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة » « پس از کسانی باشید که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر و استقامت و مهربانی و عطوفت توصیه می کنند.» اینان اصحاب یمین هستند. رسول گرامی اسلام نیز استحکام پیوند و مودت و مهربانی مؤمنان با یکدیگر را چنین توصیف می کنند. مؤمنان در مقام مهربانی و عطوفت به یکدیگر، همانند یک پیکرند. وقتی عضوی از این گروه بیمار شود، دیگر اعضاء در تب داری، شب بیداری با او همراهی می کنند.

پیام متن: ۱- خدای مهربان ، مهربانی به بندگان را دوست می دارد.

۲- مهرورزی با دیگران عامل قرب به خدا و نجات و رستگاری است.

۸-۴ تواضع

یکی از ویژگی‌های انسان سالم از دیدگاه دین، فروتنی و تواضع است. انسان دین‌دار، خود را برتر از دیگران نمی‌پندارد و این صفت درونی در رفتارهای او نیز نمایان است. چه بسا به دست آوردن این صفت باطنی، نیازمند زمانی طولانی باشد، ولی انجام دادن رفتارهای فروتنانه چندان دشوار نیست. بنابراین، در آغاز، برای رسیدن به این ویژگی درونی، می‌توان از رفتارهای متواضعانه سود برد و حتی در صورت نیاز، آنها را بر خود تحمیل کرد، تا سرانجام به این صفت ارزشمند دست یافت. در حدیثی از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم:

تواضع و فروتنی آن است که به کمتر از جایگاه شایسته خود در مجلس قانع باشی و هرگاه کسی را دیدار کردی، در سلام بر او پیشی گیری و جر و بحث را هرچند حق با تو باشد، رها کنی. (تحف العقول، ۱۳۸۲، ص ۲۹۶)

اینها نمونه‌هایی از رفتارهای متواضعانه است، ولی البته تنها این موارد نیست. در مقابل، خودبرتربینی بدترین صفت و رفتار اخلاقی است؛ زیرا گاهی در مقابل خداوند صورت می‌گیرد و در نتیجه، به کفر و الحاد می‌انجامد. فرعون با خودبرتربینی ادعای الوهیت می‌کرد و خود را خدای بزرگ مردم مصر معرفی می‌کرد. (نازعات / ۲۴)

نتیجه گیری

روح معنویت و دلدادگی و عشق به خدا به ارتباط با ذات مقدس احدیت در مردم ما نهادینه است، عمیق است، ریشه‌دار است. بعضی ممکن است دچار اشتباهاتی بشوند، در زندگی فردی خودشان خطاهایی بکنند، اما خداوند به آنها فرصت‌ها و موقعیت‌هایی می‌دهد که به سوی او برگردند، توجه کنند، متذکر شوند و انابه کنند. در همه‌ی انسانها این روح ارتباط با معنویت هست؛ با زبان شاعرانه این را بیان می‌کنند:

خاک دل، آن روز که می‌بیختند / شب‌نمی از عشق در او ریختند

این عشق، عشق مادی نیست، عشق هوس‌آلود نیست؛ این، عشق به خداست؛ این، عشق به ذات احدیت است؛ این، عشق به اصل وجود است که در همه‌ی انسانها هست، نهادینه است؛ «فطرت الله الّتی فطر النّاس علیها». (روم/ ۳۰) عوامل مادی، انگیزه‌های مادی، جاذبه‌های مادی، مانند خار و خاشاک، زباله‌ای بر روی این گوهر اندوده میشود، وقتی ماه رمضان می‌آید، گویا نسیمی است که این زوائد را برطرف میکند، آن گوهر، خود را نشان میدهد و توجه به خدای متعال جان می‌گیرد. لذا ما شاهد بودیم که همه‌ی مردم، انواع و اقسام سلائق، نوع رفتارهای گوناگون، نوع لباسهای گوناگون، در این مجالس بخصوص در شبهای مبارک قدر شرکت کردند، بهره بردند، استفاده کردند، اشک ریختند.

دل چو به آن قطره غم‌اندود شد / بود کبابی که نمک سود شد

دیده‌ی عاشق که دهد اشک ناب / هست همان خون که چکد از کباب

این اشک‌هایی که از چشم‌ها جاری می‌شود، در حقیقت از دل بیدار و پاک است که بیرون می‌آید و می‌جوشد. مردم عزیز ما این را باید قدر بدانند.
ان شاء الله که همه‌ی ما در امور زندگی خود بتوانیم یاد خدا و عشق به خدا را در خود حفظ کنیم تا مایه‌ی آرامش و خوشبختی و سعادت و کمال خود را تضمین کنیم.

منابع و مأخذ

*قرآن

*نهج البلاغه

- ۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ناشر: علمیه اسلامیة، سال نشر ۱۴۱۰ هجری قمری
- ۲- ابن معروف، محمد بن عبد الخالق، فرهنگ کنز اللغات، ناشر: مکتبه المرتضوی، بدون تاریخ
- ۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ هجری شمسی. ج ۲۶
- ۶- سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، چاپ سوم، تهران، کتابخانه طهوری، سال نشر ۱۳۷۰
- ۷- زمخشری، جار الله، کشاف، ۴۶۷، ۵۳۸ (ق)، ج ۲،
- ۸- بهشتی، سید محمد حسین، خدا از دیدگاه قرآن، بعثت، بی تا
- ۹- حسینی نوری، منطق خداشناسی، ۳۶۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۱۰- شفیعی، سید محمد، فطرت مذهبی در انسان، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ (ش)
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان طباطبایی، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی قم ایران، سال نشر: ۱۳۷۸ هجری شمسی، ۱۴۱۷ (ق)، ج ۱۹
- ۱۲- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید مصباح یزدی، ج ۱، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول: تابستان ۱۳۷۷؛ چاپ هفدهم: بهار ۱۳۸۴
- ۱۳- شجاعی، محمد صادق، درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، ناشر: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، نشر: ۱۳۸۸ هجری
- ۱۴- حسینی طهرانی، سید محمد حسین، روح مجرد، ناشر: علامه طباطبایی، سال نشر ۱۴۲۵ (ق)، چاپ هشتم
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، والاترین بندگان، ناشر: نسل جوان - قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۳ هجری شمسی
- ۱۶- الیکایی، قربانعلی، ناز و نیاز، ناشر: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، حروفچینی و صفحه آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نوبت چاپ ۴، تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۸۶
- ۱۷- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ۱۲۷۹-۱۳۶۸، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، سال نشر ۱۲۷۹-۱۳۶۸، حروف چینی و لیتوگرافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ بیستم
- ۱۸- الهامی نیا، علی اصغر، اصول اخلاق فردی، سال نشر ۱۳۸۰ چاپ دوم ناشر: اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه
- ۱۹- ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، سال چاپ: ۱۳۶۲ ش
ناشر: جامعه مدرسین، جلد ۲، نوبت چاپ: اول

- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام) - قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۰ هجری شمسی
- ۲۱- الکلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ناشر: دار الحديث، محل نشر: قم تاریخ انتشار: ۱۳۸۷ ش، نوبت چاپ: الاولى، تعداد جلد: ۱۵
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ناشر: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث. سازمان چاپ و نشر - قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۹ هجری شمسی
- ۲۳- محمدی ری شهری، محمد، بهترین راه شناخت خدا یا دلیل های خدا بر وجود خود، تاریخ انتشار: ۱۳۶۱، چاپ و صحافی: شرکت افست (سهامی عام)، چاپ اول.
- ۲۴- یزدی، محمد، کتاب الدعاء، ناشر: محمد یزدی - قم - ایران سال نشر: ۱۴۳۴ هجری قمری | ۲۰۱۳ میلادی
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ناشر: دار المعرفة - بیروت - لبنان، سال نشر: ۱۴۰۸ هجری قمری
- ۲۶- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، فيه ما فيه، ناشر: مؤسسه انتشارات نگاه - تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۸۸ هجری شمسی
- ۲۷- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ناشر: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث. سازمان چاپ و نشر - قم - ایران سال نشر: ۱۳۹۲ هجری شمسی
- ۲۸- مهدوی کنی محمد رضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ ۳۵، ص ۳۲۶
- ۲۹- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضر الفقیه، ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي - قم - ایران، سال نشر: ۱۳۶۳ هجری شمسی | ۱۴۰۴ هجری قمری
- ۳۰- ملکی تبریزی، جواد بن شفیع، لقاء الله، ناشر: بیدار - قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۸ هجری شمسی | ۱۴۳۰ هجری قمری
- ۳۱- ابطهی اصفهانی، محمد علی، جواهر السنیة
- ۳۲- محسنی، محمد آصف، جامع الاحادیث الشیعه، ناشر: صبح صادق - قم - ایران، سال نشر: ۱۳۸۷ هجری شمسی | ۱۴۳۰ هجری قمری
- ۳۳- ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، ناشر: دار الکتب الإسلامية - تهران - ایران، سال نشر: ۱۳۶۷ هجری شمسی
- ۳۴- مصباح المتجهد، طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتجهد، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بیروت - لبنان سال نشر: ۱۴۲۵ هجری قمری | ۲۰۰۴ میلادی
- ۳۵- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، سال نشر: ۱۲۳۳ هجری شمسی | ۱۲۷۱ هجری قمری
- ۳۶- مجموعه ورام، ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ناشر: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی - مشهد مقدس - ایران، سال نشر: ۱۳۶۹ هجری شمسی
- ۳۷- دروس تفسیر سوره حمد جهاد اکبر یا مبارزه با نفس نامه های اخلاقی - عرفانی
- ۳۸- گیلانی، عبدالرزاق ترجمه و شرح مصباح الشریعه، جلد ۱
- ۳۹- آمدی، عبد الواحد بن محمد، شرح غرر الحکم، جلد ۳
- ۴۰- محسنی، شیخ محمد آصف، عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاریخ، جلد ۱

- ۴۱- یوسفیان، نعمت الله؛ الهامی نیا، علی اصغر ،اخلاق اسلامی،
- ۴۲- تحف العقول، ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ناشر: آل علی (علیه السلام) - قم - ایران سال
نشر: ۱۳۸۲ هجری شمسی
- ۴۳- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۹/۰۷/۱۳۸۴
- ۱۵/۰۱/۱۴۰۳ بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام)
- (۰۵/۰۴/۱۳۹۵ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم